



همه پزشک‌ها فرشته نیستند!

از روزگار قریب تا پزشکان نجیب

■ **مهدی ارجمند**

از آنها به نام فرشته‌های سفیدپوش نام می‌برند. مردان و زنان شگفتی‌ناپذیری که برای نجات انسان‌ها از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. پزشک پیش از آن که یک واژه باشد یک صفت است؛ صفتی که مهربانی را تداعی می‌کند. انصافاً نمی‌توان پزشکی را سفل دانست بلکه پزشکی و طبابت در واقع عشق است و انسان‌های عاشق وارد این حرفه می‌شوند. کاری به برخی از پزشکسانی که انصاف را رعایت نمی‌کنند و در وادی عاشقی یا انگداشته‌اند، نداریم اما حقیقتاً پزشکی و طبابت کار عشق است و طبیب فردی است عاشق که پیش از پرداختن به درمان جسم بیمار به درمان دل بیمار می‌پردازد. اول شه‌ریور سال‌روز تولد ابوعلی سینا و روز پزشک است، روزی که در تقویم به نام فرشته‌های سفیدپوش نامگذاری شده تا همه قدردان زحمات

جامعه پزشکی باشند. پزشک‌ها از دیرباز انسان‌هایی شریف، دوست‌داشتنی و زحمتکش بوده‌اند که برخی از آنها با یک ندانم‌کاری نام و اعتبار کاری پزشکان را زیر سؤال می‌برند. متأسفانه در لابه‌لای صفحات روزنامه‌ها و اخبار گوناگون خبر گزیری‌ها و صدها مطلب گوناگون شبکه‌های مجازی گاه اخباری تلخ از حوزه سلامت می‌شنویم؛ اخباری که شنیدنش طاق می‌خواهد.

خبرهایی که حقایق از فراموشی وجدان دارد.

به این خبرها توجه کنید: ...پزشک بی‌انصاف بخیه‌های کودک خردسال را کسبید. ...گروه دانشت‌ن بیمار تا تسویه‌حساب بیمارستان. ...زیرمیزی پزشکان درمان ندارد. ...بیمار فقیر به خاطر بی‌پولی بستری نشد...انتفاع پزشکی از جراحی بیمار قبل از وار بز پول به حساب بیمارستان و...این‌ها تنها نمونه‌هایی از اخباری است که گاه و بسی‌گاه به گوش‌مان می‌خورد یا در صفحات روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها می‌خوانیم و احساس خوبی از خواندن آن به که متأسفانه واقعیت دارد و برخی از پزشکان به رغب سوگندی که یاد کرده‌اند گاه دست به اقداماتی می‌زنند که نه تنها با اصول حرفه‌ای طبابت بلکه با اخلاق انسانی نیز فاصله دارد. رفتارهایی که با اخلاق، ادم و فرهنگ کهن ایرانی و سبک زندگی ایرانی –اسلامی تفاوت‌های بسیاری دارد.

انتفاع از پذیرش بیمار به خاطر بی‌پولی، عمل نکردن بیمار بدحال تا قبل از وار بز پول به حساب بیمارستان و از همه مهم‌تر کشیدن بخیه‌های کودک خردسال در یکی از بیمارستان‌های کشور در دو سال پیش نمونه‌ای از رفتارهایی است که عشق و درستیکاری را در حرفه طبابت خدشه‌دار می‌کند و این اخبار ناگوار را مدت‌ها در ذهن افراد می‌ماند. حال اینکه انتظار از یک پزشک به عنوان کسی که خداوند او را وسیله نجات جان انسان‌ها قرار داده انتظار دیگری است، خصوصاً اینکه پزشکان در پایان تحصیلات و آغاز به کار طبابت، می‌کنند پزشکی یاد می‌کنند. سوگندی که مبنای تمامی فعالیت‌های آنهاست، بنابر این به هیچ وجه شایسته نیست که گاه خبرهایی در خصوص رفتاری خارج از انصاف، دور از جوانمردی و از همه مهم‌تر مغایر با سوگند پزشکی از افرادی منتشر شود که در حقیقت باید فرشته‌های روی زمین باشند.

اما همان‌طور که از قدیم گفته‌اند هر پنج انگشت مثل هم نمی‌شود. در کنار اخبار گوناگون از رفتار ناشایست برخی پزشکان، بسیاری از آنها نیز به گونه‌ای رفتار می‌کنند که حقیقتاً شایسته رفتارهای یک انسان واقعی است و احساس می‌کنی فرشته‌ای از آسمان روی زمین آمده و در لیبسی سفید به انسان‌ها خدمت می‌کنند. روز پزشک بهانه‌ای است برای مرور برخی از رفتارهای نمونه پزشکان. رفتارهایی که بی‌شک از تمام پزشکان این مرز و بوم انتظار می‌رود.

■ **از روزگار قریب تا انسان‌های نجیب**

شاید شما هم درباره رفتارهای زیبایی برخی پزشکان شنیده باشید. از پزشکی که بابت ویزیت بیمارانی بی‌ضاعت خود پولی دریافت نمی‌کند تا پزشکی که خالصانه در اذوهای جهادی می‌کند یا پزشکی

که هر جمعه در مسجدی در منطقه‌ای محروم بیماران را

رایگان مداوا می‌کند.

شاید نمونه یکی از این پزشکان بانصاف و دوست‌داشتنی دکتر محمد قریب باشد. کسی که حق بزرگی به گردن جامعه پزشکی کشور دارد و زندگی و خصوصیات و اخلاق ستودنی این مرد نازنین در سریال روزگار قریب به خوبی به تصویر کشیده شد. در این سریال دکتر قریب تنها یک پزشک حاذق و دوست‌داشتنی نبود بلکه فردی روشفکر، دلسوز، باسواد، خوش‌اخلاق، مؤمن و مردمی بود که تمام دغدغه‌اش خدمت به مردم بود.

همیشه توصیه شده است که انسان باید نیمه پر لیوان را ببیند. برای همین است که با اذعان به غلط بودن برخی رفتارهای خارج از انصاف و اخلاق برخی پزشکان، نمی‌توان از شرح منش نجیبانه برخی پزشکان دیگر چشم‌پوشی کرد.

■ **تابلوی زیبایی سر در مطب**

اینجا خیابان قزوین در تهران است. عصر یک روز گرم تابستان برای درمان بیماری‌ای که دو، سه روز است اذیتیم می‌کند به مطب پزشک آمدم. پزشک جوان و خوش اخلاقی که با حوصله به ویزیت بیمارانش می‌پردازد.

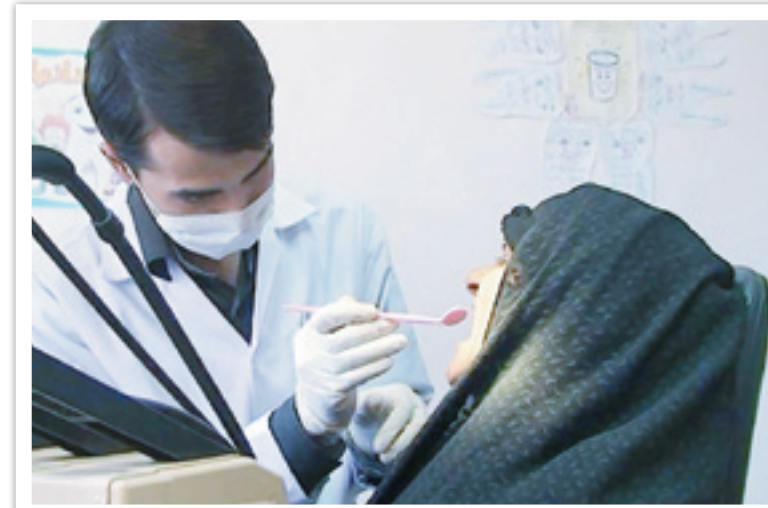
از قبل نوبت گرفته‌ام اما وقتی می‌رسم مطب حسابی شلوغ است. خانم منشی می‌گوید باید چند دقیقه‌ای بنشینید تا نوبت‌تان شود. گوشه‌ای از مطب کنار آکواریم پر از ماهی روی صندلی می‌نشینم، در ست روبروی در اتاق آقای دکتر. منشی می‌گوید: «بیمار که آمد بیرون نوبت این خانم است، بعد از ایشان شما می‌روید تو.»

همان‌طور که نشستام چشم‌به تابلوی زیبایی می‌افتد که کنار اتاق آقای دکتر نصب شده است: «در این مطب ویزیت بیماران کم‌بضاعت رایگان است.» دوباره نوشته روی تابلو را می‌خوانم و احساس خوبی از خواندن آن به من دست می‌دهد.

نوبتم که می‌شود وارد اتاق دکتر می‌شوم. هنوز در جای خودم جایه‌جا نشدم‌ام که چشم به نوشته دیگری روی دیوار اتاقش می‌افتد: «بیماران محترمی که به هر علت توانایی پرداخت ویزیت را ندارند به اینجانب اطلاع دهند.» دیدن این دو نوشته در مطب این پزشک

جوان حسابی مرا از این کار انسان‌دوستانه به وجد می‌آورد. حین معاینه بسر صحبت را باز می‌کنم و کار انسان‌دوستانه این پزشک جوان را می‌ستایم که با حالتی از فروتنی و افتادگی می‌گوید: «ای بابا این چه حرفیه. این وظیفه انسانی و دینی من است. شما هم اگر کسی را سراغ داشتید که برای مراجعه به پزشک مشکل مالی داشت معرفی کنید.»

از مطب دکتر بیرون می‌آیم. به نسخه‌ای که او روی دفتر‌چام نوشته است نگاه می‌کنم. حس خوبی دارم و روحیام خیلی خوب است. در حالی که نسخه در دستم است وارد داروخانه می‌شوم، نسخه را تحویل می‌دهم و می‌نشینم تا متصدی داروخانه اسمم را صدا کند.



سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۶۹۴۷۱

سبک نگارش

یکی از پزشکان نیک‌اندیش تهرانی هر هفته جمعه‌ها به پاکدشت می‌رود این پزشک در طول هفته سه روز صبح‌ها به بیمارستان می‌رود، سه روز در دانشگاه تدریس می‌کند. عصرها هم هفته‌ای سه روز مطب می‌رود. ویزیت این پزشک با دفتر‌چه ۱۵ هزار تومان و آزاد ۲۳ هزار تومان است اما در پاکدشت هزینه ویزیت این پزشک با همه ویزیت‌های دنیا متفاوت است. در جایی که طبابت می‌کند یک تابلوی کوچک روی میزش گذاشته است که روی آن نوشته: «هزینه ویزیت، صلوات برای سلامتی امام زمان (عج)». تازه می‌فهمم چرا روز جمعه را برای معاینه و درمان بیماران اختصاص داده است

■ **پزشک مردمدار مشهدی**

دکتر شیخ در حافظه تاریخی مشهد یادآور روحیه خدمتگزاری و خیرخواهی است.از دکتر شیخ به عنوان یک پزشک حاذق و مردی خوش‌اخلاق و مردمی و مؤمن نام برده می‌شود که خود را همیشه وقف مردم کرده بود.

او به طبابت عشق می‌ورزید و پزشکی را نه شغل بلکه یک کار عاشقانه و رفتاری انسان‌دوستانه می‌دانست که وسیله‌ای شده تا به مردم و خلق خدا کمک کند

درباره دکتر شیخ تاکنون مطالب زیادی گفته و خاطرات فراوانی از او نقل شده و حتی یک فیلم مستند هم درباره زندگی این پزشک دلسوز ساخته شده است اما شاید بهترین توصیف از زندگی دکتر مرتضی شیخ را بتوان از زبان کسی شنید که مدت‌ها برای نوشتن کتابی درباره زندگی او تحقیق کرده است. جمشید قشنگ که خود کشتی گیر و جوخه‌کار است مدت زیادی را درباره دکتر شیخ و زندگی او به تحقیق و پژوهش پرداخته است.

او در یکی از مصاحبه‌هایش گفته‌است: پسر دکتر

شیخ برای من تعریف می‌کرد، شاید ما در تمام طول زندگی‌مان، فقط پنج نوبت با پدرم ناهار خورده باشیم. چرا؟ چون زندگی ایشان صبح‌ها در کارخانه‌ها و مناطق روستایی صبح تا شب با صورت رایگان به معالجه بیماران می‌پردازد. او با ماشین شخصی و هزینه شخصی‌اش می‌رود و هیچ چمندانستی برای این کارش ندارد. تخصص خودش اطفال و داخلی است اما از اقرار می‌کند که با برخی از همکارانش گذاشته است بعضی از بیماران کم‌بضاعت را برای معاینه و معالجه رایگان معرفی می‌کند یا آزمایشگاه‌هایی که با دیدن نامه این پزشک بدون دریافت حتی یک ریال آزمایش بیمار را انجام می‌دهند.

این پزشک در طول هفته سه روز صبح‌ها به بیمارستان می‌رود، سه روز در دانشگاه تدریس می‌کند. عصرها هم هفته‌ای سه روز مطب می‌رود. ویزیت این پزشک با دفتر‌چه ۱۵ هزار تومان و آزاد ۲۳ هزار تومان است اما در پاکدشت هزینه ویزیت این پزشک با همه ویزیت‌های دنیا متفاوت است. در جایی که طبابت می‌کند یک تابلوی کوچک روی میزش گذاشته است که روی آن نوشته: «هزینه ویزیت، صلوات برای سلامتی امام زمان.» تازه می‌فهمم چرا روز جمعه را برای معاینه و درمان بیماران اختصاص داده است.

■ **تفسیر حقیقی فداکاری و انسانیت**

اما به طور حتم وقتی صحبت از پزشکی و رفتارهای انسان‌دوستانه پزشکان می‌شود به هیچ وجه نمی‌توان از نام دکتر منصور رامی گذشت. پزشکی سبیدمو با یک دنیا تجربه که با انجام ۵ هزار جراحی در دوران دفاع مقدس رکورددار بیشترین تعداد جراحی‌ها در زمان جنگ هشت ساله است و هنوز هم که هنوز است بهترین خاطراتش را زمانی می‌داند که در مناطق جنگی، جانبازان و مجروحان را درمان کرده و روزگاری را با این افلاکیان گذرانده است.

منصور رامی قبل از انقلاب برای تحصیل به امریکا می‌رود، ۹ سال در امریکا زندگی می‌کند و سپس به ایران می‌آید، با همسرش قرار می‌گذارند چون روزهای اول زندگی مشترک است برای کار بروند اهواز، چون آنجا به پزشکان بدی آب و هوا می‌دهند و دریافتی دکتر بیشتر می‌شود اما رفتن دکتر رامی به اهواز همان و شروع جنگ همان و در این میان آنچه برای دکتر رامی می‌شود ارزش، دیگر حقوق بیشتر نیست بلکه همان ارزش‌های بچه‌های رزمنده برای این پزشک حاذق هم می‌شود. ارزش ۱۷ سال تمام در اهواز می‌ماند و در طول هشت سال دفاع مقدس ۵ هزار جراحی انجام می‌دهد که در ایران رکورددار است. نکته جالب این که اوایل جنگ وقتی قرار است خانواده‌اش می‌آید. بعد از آن خانواده را راهی شهر دیگری می‌کند و خودش دوباره به اهواز برمی‌گردد و در پاسخ به سؤال همسرش که چرا برای برمی‌گردد اهواز؟ می‌گوید: وقتی سوگند یاد کردم برای روزی مثل این روزها بود. امروز مردم کشورم به من نیاز دارند و باید کمک‌شان کنم.



داستان‌هایی از زندگی دکتر مرتضی شیخ

سر نو شباه‌های فلزی به جای حق ویزیت!

■ **حسین گل محمدی**

آنهایی که در مشهد زندگی می‌کنند غیرممکن است نام دکتر مرتضی شیخ را نشنیده باشند. شهرت این پزشک آزاده و دلسوز به حدی است که شاید خیلی از مردم ایران با نام و زندگی این فرشته زمینی آشنا باشند. دکتر مرتضی شیخ در سال ۱۳۸۶ خورشیدی در تهران به دنیا آمد اما دست روزگار او را به مشهد برد و در مشهد در کنار حمام مهربانی به یک پزشک مهربان و مردمی تبدیل شد که آوازه نیکنامی‌اش همچنان نقل محافل است.

سبک نگارش

بیماران فقیر، داروهای بی‌راه هم که ایشان برایشان تجویز می‌کردند، رایگان از داروخانه دریافت می‌کردند. دکتر با داروخانه‌های مختلف قرار داد داشته است که روی نسخه هر بیماری که علامت

گذاشت، دارویش را رایگان تحویل بدهند. گاهی اوقات هم پول دارو و حتی هزینه رفت و آمد بیماران را نقدی به آنها پرداخت می‌کرد

نوشابه‌های تمیز استفاده کنند تا آلودگی را از جاهای دیگر به مطب نیاورند. این سرنوشابه‌های تمیز را آخر شب در اطراف مطب می‌ریزم تا بیماری‌انی که پول ندارند و خجالت می‌کشند که در صندوق چیزی نیندازند، از اینها که تمیز است استفاده کنند.»

یک سبزی‌فروش نیز که آن زمان در نزدیکی مطب دکتر شیخ، دکان سبزی‌فروشی داشته درباره این پزشک مهربان و دلسوز می‌گوید: «من دکتر شیخ‌زاده در محله سرشور مطب باز کرده بود و من هنوز ایشان را نمی‌شناختم هر روز پیش از رفتن به مطب نزد من می‌آمد و قیمت سبزی‌ها را می‌پرسید و یادداشت می‌کرد ولی نمی‌خرید. پس از چند روز، با کمی پرخاش به او گفتم: «مگر تو بازرسی که هر روز می‌آیی و وقت مرا می‌گیری؟» وی گفت: «خیر، من دکتر شیخ هستم و بپای سبزی‌ها را برای آن می‌پرسم تا از آن‌ترین آنها را برای بیماران تجویز کنم.»

از دکتر حسین خدیج‌م نقل است: «روزی در مطب دکتر بودم و او برای بیمارانش آب پاچه تجویز می‌کرد. از ایشان پرسیدم چرا به جای سوسپ جوچه، آب پاچه تجویز می‌کنید؟» وی گفت: «چون برای جبران ضعف بدن بیمار، آب پاچه مانند سوسپ جوچه مؤثر است و مهم‌تر آنکه

پاچه گوسفند ارزان است.»

جالب است بدانید آن سال‌ها که هنوز از ترافیک دود و ماشین خبری نبود دکتر شیخ بیشتر وقت‌ها برای معاینه بیمارانش با موتورسیکلت این طرف و آن طرف می‌رفت. روزی مردی از ناشی از کار، از موتورسیکلت استفاده می‌کنید؟» دکتر در پاسخ می‌گوید: «خانه بیماری‌انی که من به دیدن آنها می‌روم آن قدر پیچ در پیچ است و کوچه‌های تنگ دارد که هیچ ماشینی از آن نمی‌تواند عبور کند.»

■ **در کنار امام‌رضاع) آرمید**

این مرد دوست‌داشتنی سال‌های سال خود را وقف مردم پشت سر گذاشت و تا اینکه در سال ۱۳۵۲ با بیماری سختی دچار می‌شود و این هم یکی دیگر از آزمایش‌های الهی بوده که خدا برای

بنده‌هایی که دوستشان دارد، قرار می‌دهد. با شنیدن خبر بیماری دکتر شیخ، مردم در مساجد و حسینیه‌ها برای اودست به دعا می‌شوند. جالب

این که دکتر شیخ در بستر بیماری هم بیماران را ویزیت و به حال آنها رسیدگی می‌کرد. سه سال سخت پشت سر گذشت و دکتر مرتضی شیخ در سال ۵۵ چشم از این جهان فروبست. تشییع دکتر در سال ۵۵ مصادف شده بود با

روز شهادت امام‌رضاع) و هیئت‌های سینه‌زنی که متوجه فوت ایشان شده بودند، دسته‌دسته به‌طرف منزل ایشان حرکت کرده، جنازه او را از دست خانواده‌اش خارج کردند و به‌سوی حرم امام رضاع) بردند. ایشان می‌خواست در قبرستان عمومی شهر در میان بیمارانش دفن شود. وصیت هم کرده بود که اسمش روی قبر نوشته شود تا هر وقت مردم آنجا آمدند، به یاد او بیفتند ولی مردم پیکر ایشان را برای دفن به حرم امام رضاع) منتقل کردند...